

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی-استرلیا
۰۳ دسمبر ۲۰۱۸



انقلاب و یا نسیم بهاری ازیک انقلاب



درین روز ها باز یکبار دیگر هوا و هوس انقلاب سرزمین فرانسه را پر نموده است؛ تو گوئی که روح انقلابات ۱۷۸۹ ، ۱۸۷۱ (کمون پاریس) این کشور و انقلابات ۱۸۴۸ اروپا یکبار دیگر به دمایش آمده می شگفتد و آغازگر تولد بهاری دیگر است؛ درین میان تصور می شود که کارل مارکس باز با سلاح بران مانیفست و کاپیتالش کابوس سوسیالیزم را سر از نو در قاره اروپا و باز هم یکبار دیگر در فرانسه این یکی از اولین مراکز و کهن ترین قبله امال انقلابات

اجتماعی ، منتشر می سازد و به عجل جلا دادن سرمایه می رسد . البته به قول معروف در آن جوئی که یکبار آب رفته باشد ، بار دیگر نیز جاری می شود .

هدف از این نسیم بهاری که من آن را عنوان نموده ام عبارت است از خروش و جوشش "جنبش واسکت زرد پوشان" و یا به عبارتی دیگر "انقلاب زرد" می باشد که اینبار خلاف سنت گذشته از پاریس و حومه اطراف آن آغاز نگردیده ، بلکه شعله آن از یک منطقه در جزیره دور دست فرانسه به نام رئونیون Reunion در بحر هند ، آغاز گردید که از اواسط ماه نومبر سالجاری با شرکت بیشتر از صد ها هزار جمعیت جهت اعتراض به ازدیاد مالیات و یا تکس مواد سوختی و بالا رفتن سرسام آور قیمت های معیشتی به صورت کل ادامه دارد . علت اساسی چنین خیزشی را بایستی در بحرانات ملموس اقتصادی نظام سرمایه داری مبنی بر کوتاه سازی و قطع امداد مصارف خدمات اجتماعی جهت به اصطلاح صرفه جوئی و ریختن مفاد بیشتر به جیب کارفرمایان و شرکت های سرمایه داری در حکومت موجود این کشور جست و جو نمود .

جنبشی که به انقلاب شباهت دارد :

این همان عنوانی است که آن را نشریه "در دفاع از مارکسیزم" در یکی از تازه ترین سر مقاله هایش به تاریخ ۳۰ نومبر ۲۰۱۸ ، برگزیده است ؛ ولی من به این عقیده هستم که این حرکت می تواند یک نسیمی از بهار فصل جدیدی از تداوم انقلاب فرانسه باشد ؛ زیرا به نظر این قلم انقلابات اجتماعی یک پروسه دوامدار و پی در پی می باشند که در یک روز ، یک دفعه و به یک بارگی آغاز و پایان نمی یابند ؛ بلکه تداوم و ادامه می یابند و اگر خلاء و توقیفی در آنها ایجاد گردد ، در آنصورت نیرو و انرژی پویا و مثبت دیموکراتیک برخاسته از آن، تعفن پیدا نموده و مانند اب گندیده ای شفافیت و پاکیزگی خود را از دست می دهد . خوب ؛ به همه حال ؛ بلی من مشکلی با شباهت چنین قیاسی ندارم ؛ ولی باید دقت کرد که هنوز یک اندازه زود است .

در این نوشته سعی می گردد تا دیدگاه نشریه مذکور صرفنظر از مواردی از تبصره های اندک این قلم در زمینه ، از قرار ذیل خلاصه گردد :

* - جنبش زرد پوشها به آن اندازه رادیکال و بزرگ است (منظور از پیمانانه شرکت) که حتی حکومت قیود شبگردی را اعلان نمود. از آغاز این جنبش جزیره نامبرده کاملاً با سدها و موانع مسدود گردیده است؛ سرک ها مسدود شده اند ؛ دفاتر حکومتی و مکاتب بسته اند ؛ شفاخانه ها به حالت تعطیل درآمده اند ؛ بعضی از بزنس ها و مشاغل از طرف صبح باز می گردند و بسیاری آنها بصورت کل مسدود اند ؛

* - علایق همبستگی زایدالوصفی در میان تظاهر کنندگان به وجود آمده است ؛ معترضان سنگر های مقاومت را ایجاد نموده اند که به طور منظم از جانب مردم مراقبت می شوند ؛

* - شبکه های اجتماعی نقش بسزائی را برای اجتماعات معترضان فراهم نموده است که با اطلاع رسانی به موقع سد ها و موانع خود را از یکجا به جای دیگر نقل می دهند ؛

* - چنین بحرانی از دهه ۹۰ بدینسو سابقه ندارد ؛ خواسته های این جنبش به جهت مشخصی در حرکت نیست ؛ فقط تا همین لحظه رئونیونی ها منتظر دریافت جواب از جانب حکومت در مورد تأنید و شناختن رنج ها و الام خویش اند ؛ ولی حکومت تا الحال با فرستادن نیروی بیشتر پولیس در آنجا به بحران پاسخ ارائه نموده که سبب بازتاب بیشتر مطالبات این جنبش در میان طبقه کارگر شده است ؛

* - از سالیان درازی بدینسو باشندگان منطقه نسبت به سایر هموطنان فرانسوی شان در سایر مناطق جغرافیائی داخل فرانسه بیشتر متأثر و متألم شده اند ؛ هر متاع و جنسی درینجا ۳۰ الی ۵۰ مرتبه قیمت تر از سایر مناطق کشور می باشد ؛ زیرا همه اینها از بیرون وارد می گردند ؛

* - ۴۰ درصد جمعیت پائین تر از سطح فقر زندگی می نمایند ؛ یک سوم نفوس فعال بیکار می باشند ؛ پیمانۀ بیکاری در میان جوانان ۵۶ درصد است ؛

* - باشندگان محلی خود را به مثابۀ شهروندان دست دوم تصور می نمایند که بالاخره بالارفتن قیمت مواد سوختی شعلۀ این خیزش را فراهم نمود .



در پاسخ به این حرکت وزیر وزارت بیرون مرزی فرانسه یک خانمی به نام "انیک جیراردین" به تاریخ ۲۸ نومبر از آنجا دیدن نمود و وعده سپرد که قیم مواد سوختی به طور فوری پائین می آید و همچنان این خانم پیرامون مخارج دیگر زندگی نیز ابلاغیه هائی را اعلان نمود ؛ زرد پوشان وزیر مربوطه را با پخش ابلاغیه ای در شبکه های اجتماعی با

هشدار این که ۳۰۰ سنگر را بنا می نمایند و گفتند که به "هیچ موتری اجازه عبور داده نمی شود" ؛ خوش آمدید گفتند ! نشریه در دفاع از مارکسیزم باورمند است که حکومت رئیس جمهوری مکران شاید مجبور به عقب نشینی شده و تن دادن به خواستها را از خود نشان دهد ، اما چنین صبری به زودی به پایان می رسد و تهاجم علیه فقرا و کارگران آغاز می یابد و قرار معلوم از همین اکنون در اجندای کاری رئیس جمهور هیچ گونه توجه عاجل و جدی جز وعده های میانتهی درازمدت به این مسأله مبذول نشده است . نامبرده در سخنرانی اخیرش در دفتر ریاست جمهوری موسوم به الیزی Elysee در صبح روز سه شنبه با به حاشیه کشیدن خواستهای مردم صرفاً راجع به آنچه که جهان در سال ۲۰۵۰ به آن مواجه می باشد، صحبت



کرد، درحالی که مردم مطالبات فورئی دارند که پاسخ می طلبد .

یکی از درسهای جالب و آموزنده این جنبش در آن نهفته است که طرفداران این حرکت خواستار انحلال اسامیلۀ فرانسه درین منطقه گردیدند که یک شعار سیاسی ناشی از رشد بلاغت فکری آن ها درین لحاظه می باشد ؛ معنای این مطلب در ترجمۀ افکار سیاسی به معنای سقوط و

انهدام نظام حاکم است که بازتاب دهنده یک بیداری انقلابی می باشد .

حرف نهائی و مهم تر از همه در ادامه پیروزی و نبرد مردم رئونین بستگی به سرایت شعله مقاومت به سایر مناطق فرانسه دارد که بایستی طبقه کارگر فرانسه در سنگر های نبرد مرگ و پیروزی در پهلوی همسنگران و رفقای زحمتکش و رنج دیده شان، شانه به شانه بایستند. امیدواری ها در زمینه وجود دارند؛ ولی این امیدواری ها به حد کافی تبارز نیافته اند زیرا رهبری اتحادیه های فرانسه که عبارت از کانفدراسیون دموکراتیک کارگری و کانفدراسیون عمومی کارگری فرانسه و جناح چپ حزب سوسیال دموکرات فرانسه به نام La France Insoumise می باشند هنوز بر سر یک دو راهی بلاتکلیفی مبنی بر حمایت و یا عدم حمایت از این جنبش قرار دارند؛ تا جایی که به سؤال رهبری مرتبط می شود اتحادیه اولی به حاشیه دفاع از حلقه حاکم کشانیده شده است؛ ولی رهبری اتحادیه دومی با یک حمایت غیر صریح و مبهم از جنبش حمایت می نماید. متأسفانه یکی از حقایق تلخ در اتحادیه های کارگری فرانسه و کشور های غربی در آن است که این اتحادیه ها به عوض این که گلوی رسای طبقه کارگر باشند، در گرو کارفرمایان زر و سرمایه قرار دارند. اما خبر خوش این است که صفوف گسترده ای از کارگران شامل این اتحادیه بدون گوش فرادادن به بیروکراتها و تکنوکرات های دلال شان به اعتراضات پیوستند و حمایت کامل خود را اعلام نمودند.

ولی نکته ناگفته دیگر این است که اگر این اعتراضات با برگزاری یک اعتصاب عمومی همگانی همراه نشود، آهسته آهسته خرد و خمیر می گردد. جای مسرت این است که تعداد زیادی از هواداران جنبش که خود کارگر اند و به اهمیت این مطلب پی می برند و آن را طی اجتماعات مجمع عمومی و یا جنرال اسمبله های مورد بحث قرار داده اند؛ آیا این که انکشافات بعدی مسیر اوضاع در چنین جهتی حرکت خواهد کرد و یا نه؛ پاسخ به این سؤال را مردم فرانسه با الهام از باشندگان جزیره رئونین خواهد داد، دیده شود که چه می شود؟

سؤال دیگری که مشارکت شما خوانندگان گرامی را می طلبد این است درسهای حاصله ازین نهضت را چگونه می توان در شرایط موجود افغانستان بسط و توسعه داد؟ / این بخش را به شما واگذار می نمایم تا بدینگونه به غنای این بحث بیفزائید.

دیدگاه شما